

## عدالت در انگلستان

« ۱۱ »

### فصل سوم

### مشاغل قضائی در انگلستان

### وکلا و قضات

« مقدمه »

در این کتاب که خلاصه و مقدمه‌ای از خطوط اصلی و اساسی عدالت انگلستان در آن ترسیم شده بارها از وکلاء و قضات و نقش آنها بطور کلی سخن بمیان آمده لیکن فرصت و مجال نبوده که اهمیت نقش آنها در عدالت انگلستان مشروحاً بیان شود و از این رو فصل سوم کتاب باین منظور اختصاص داده میشود. قبلاً نیز اشاره شد که در تقسیم بندی تشکیلات دادگستری سه عامل اساسی نقش‌های عمده را بازی می‌کنند. و این سه عامل عبارتند از قوانین مناسب و تشکیلات سازمان اداری دادگستری و سومی مردمی که حرفه خود را تفسیر قوانین و انطباق آنها باموضوع و یادفاع از مردم و قانون قرار داده و بطور کلی میتوان آنها راشاغلین به شغل قضائی نامید که عبارتند از وکلاء و قضات.

اهمیت و نقش این دودسته در اجرای عدالت تا آنجاست که میتوان گفت قضاوت انگلستان را قضات و وکلاء ساخته و پرداخته و اداره کننده‌اند چه بخصوص در انگلستان از بدو تأسیس قانون وکلاء و قضات پایه گذار قوانین بوده و سیستم کامن لوقاضی را قانونگذار در هر مورد بخصوص می‌داند و قضات بوده‌اند که در هر مورد بخصوص حکم خود را با توجه به نظریات قضائی مشابه اظهار داشته و اعلام کرده‌اند که این است قانون انگلستان و در واقع پاسداران واقعی عدالت و عاملین اصلی تمدن و سیاست انگلستان همانا قضات آن کشورند و بجرأت میتوان گفت که سیاست قرون اخیر انگلستان و تسلط و تفوق آن بر سراسر گیتی مرهون قضات انگلستان است. عدالت واقعی، که بطور بی نظیر در انگلستان حکمفرماست، موجب

ثبات تشکیلات اجتماعی و باعث ایجاد عدالت اجتماعی گردید و به مردم اجازه داد که در سیر تکامل اجتماعی فارغ از دغدغه خاطر و در کمال اطمینان بوظایف دیگری بپردازند و باتکای تأمینی که نتیجه عدالت بود باسودگی قدم در راه پیشرفت گذارند و افکار خود را صرف به ثمر رسانیدن آمال و آرزوهای بلند دیگری بنمایند که نتیجه اش تسلط بردنیای آن روزی بود.

دقت بی غرضی آرامش و ثبات و استمرار و عدالت واقعی و اطمینان و اعتماد به قضات عدالت و قضاوت را در انگلستان تشکیل می دهد برای محاسن دانش و تقوی را نیز که از خصوصیات قضات انگلیسی است باید افزود.

قضات این کشور در طول زمان تاریخ موفق شده اند که حقوق اساسی انگلستان را بسازند چه در انگلستان قانونی بنام قانون اساسی وجود ندارد آنچه حقوق افراد و اختیارات قوای دیگر را تعیین می کند همان حقوق اساسی است که نتیجه آراء قضات انگلستان است که در هر مورد بخصوص قسمتی از این حقوق را بیان و اعلام داشته اند و مجموعه آنها حقوق اساسی را می سازد و در مدت قرونی که بر عدالت انگلستان می گذرد حقوق افراد و حیثیت انسانها و غرور انسانی در اثر آراء قضات شکل عالی تمدن را بخود گرفته و ارزش افراد در اجتماع مشخص و شناخته شده و تجاوز بحقوق افراد انسانی توسط هر کسی و هر مقامی که بوده فوری و بشدت سرکوب گردیده و راه برای پیشرفت افکار و عقاید باز شد و قلدی و زور گوئی جای خود را به اطاعت از قانون و حفظ و احترام حقوق افراد داده است و زمانی که افراد قوی میشدند و قصد زورگفتن به حکومت را داشتند قضات بحمايت از حکومت پرداخته اند و در موقعی که حکومت قوی و افراد ضعیف بوده اند قضات بحمايت از فرد بپاخواسته آراء شان رنگ حمايت از فرد در مقابل حکومت را داشته است.

حکومت قانون در هر کشوری معنای بخصوص بخود گرفته لیکن در کشور انگلستان معنی واقعی خود را دارد و در اثر آراء صادره محاکم حکومت قانون در انگلستان یعنی فقدان هرگونه قدرت استبدادی و تساوی افراد در مقابل قانون فقدان تبعیض و عدم رعایت دوستی ها و آشنائی ها و قرابت ها. در مغز انگلیسی این امر حل شده تلقی میگردد که حکومت قانون در اجتماع که تعدادی از افراد از تمام نعمات اجتماعی برخوردار و بقیه از حداقل زندگی انسانی محرومند معنی

و مفهومی ندارد. شاید بتوان بجزرات گفت که حکومت قانون وقتی در اجتماعی تحقق می‌یابد که امکان استفاده از حکومت قانون به افراد داده شده باشد باین معنی که برای همه حداقل امکان استفاده معیشت آبرومند و مسکن و غذا و تعلیم و تربیت و خلاصه آنچه که برای ساختن و حفظ غرور انسانی لازم است فراهم باشد، والا صحبت از اطاعت از قانون و انتظار رعایت حقوق دیگران از چنین اجتماعی نمی‌توان داشت.

قضات انگلستان بخوبی به این اصل واقف اند، تصمیمات عادلانه آنها که بر مبنای این اصول پایه گذاری شده، نتایجی را در برداشته است که در عمل ملت انگلستان از آن بهره‌ها برده و از این رو به قضات خود اعتماد کامل دارند و کلام آنها را کلام آسمانی و بدون چون و چرا با جان و دل می‌پذیرند. سنت‌های پر ارج گذشته و اعتمادی که مردم در اثر تجربه به قضات دارند موجب استقلال و آزادی قضات شده است.

قضات انگلستان از استقلالی برخوردارند که نظیر آن را در کمتر کشوری می‌توان یافت و این استقلال بعدی است که سرنوشت افراد و سیاست داخلی انگلستان را در کف قدرت خود دارد، و همین امر سبب گردیده که در انتخاب قضات توجه مخصوص مبذول گردد و در واقع عدالت بی نظیر انگلستان را باید در نحوه انتخاب قضات و نیز تربیت اجتماعی دانست که این قضات از آن بیرون می‌آیند.

برخلاف سیستم‌های دیگر قضات انگلستان از بین وکلایی انتخاب می‌شوند که سالیان دراز امتحان فضیلت و تقوی و دانش و بینش داده‌اند و در فن و کالت و عمل قضائی ورزیده و کار آزموده شده‌اند و با توجه اینکه تعداد قضات انگلستان از ۲۰۰ تجاوز نمی‌کند بخوبی میتوان از بین ۲۰۰۰ باریستری که در لندن مشغول و کالتند هر چند زمانی یک یا دو نفر را برای مسند قضاوت انتخاب کرد.

چنانچه مذکور گردید عظمت قضاوت و عدالت در انگلستان نتیجه انتخاب درست و پرورش کسانی است که به شغل قضائی اشتغال دارند و این بهترین رویه برای اصلاح عدالت و دادگستری است و بعقیده ما اگر روزی ایران موفق شود قضات و وکلایی به عدالت تحویل دهد که اثر قانون ناقص و بدرا با روش واقع بینانه و احاطه کامل به فن و کالت و قضاوت آنها با تقوی و فضیلت جبران کنند آن روز روزی است که ممکن است به یک عدالت نزدیک به حقیقت امیدوار بود،

کشوری ساخت که بتواند در راه مقاصد عالیه و ترقی صنعت و کشاورزی گامهای مؤثر و مطمئن بردارد و از ثمرات این فعالیت ها بهره‌مند شود.

### مبحث اول و کلا داد گستری

یکی از جهات جالب توجه سیستم حقوق انگلستان در قسمت مشاغل قضائی آن است که بر خلاف نظام های قضائی کشورهای دیگر و کلا داد گستری بدو گروه تقسیم بندی میشوند. یکدسته از آنها سولیسیترا هستند که کارشان بیشتر جنبه مشورتی و حضور در داد گاههای صلحیه مایسترایت یاداد گاههای مادون است و هرگز نقش دفاع در داد گاههای معادل داد گاههای شهرستان و یا مراحل پژوهشی و داد گاههای جنائی بعهدده آنها واگذار نگردیده و حق مداخله و وکالت در این داد گاهها را ندارند و معمولاً تعرفه حق الوکاله آنها نیز ارزان تر از طبقه دیگر از وکلاء است که بنام باریسترا معروف شده اند. باریسترا صرفاً نقش دفاع در داد گاهها را بعهدده دارند و غالباً در یک سلسله از امور مخصوص قضائی متبحر و مهارت کسب کرده اند.

تعداد سولیسیتراها ( مشاورین قضائی ) تقریباً ده برابر تعداد باریستراها ( وکلاء مدافع ) می باشد و در تمام انگلستان اشتغال با مر مشاوره دارند در حالیکه باریستراها غالباً در لندن جمع شده و معمولاً برای محاکمات از لندن خواسته میشوند و چون این دو گروه از جهاتی باهم تفاوت دارند لذا در دو قسمت به مطالعه حال آنها میپردازیم.

#### ۱ - سولیسیتراها ( مشاورین قضائی )

سولیسیتراها قسمت تالی<sup>۱</sup> شغل و کالت را تشکیل می دهند و چنانکه گذشت تعداد آنها بمراتب پیش از باریستراها<sup>۲</sup> در موردیکه مسائل حقوقی مردم را به اخذ وکیل و ادارمی کنند آنها سولیسیتراها هستند که با مشتریان تماس دارند و در صورتیکه اهمیت امر بدرجه ای باشد که نیاز به داشتن باریسترا شود سولیسیتراها شخصاً وکیل مدافع را انتخاب می کنند و موکلین مطلقاً با باریسترا تماس نداشته و غالباً وکیل مدافع ( باریسترا ) موکل خود را ندیده و شاید هیچوقت هم نبیند زیرا سنت و کالت تماس سولیسیتراها را به تماس باریستراها با موکلین ترجیح می دهد و بدین ترتیب

۱ - Solicitors

۲ - Junior Part of the profession

۳ - Barristers

شان سولیسیترها ( وکلاء مدافع ) را بمیزان قابل ملاحظه در اجتماع بالا می برد . سابقه تاریخی تأسیس شغل سولیسیترها حاکی است که در زمان های گذشته نیز باریسترها تمام شغل وکالت را اداره می کردند و سولیسیترها نقش علمی و یا عملی فن وکالت را بعهدہ نداشته بلکه بعنوان منشی<sup>۱</sup> انجام وظیفه می کردند و گذشت زمان آنها را بصورت یک طبقه پائین تر حرفه وکالت در آورد . در سیستم کامن لو داد گاههایی وجود داشت که بمسائل مربوط به کامن لو رسیدگی میکرد و برای انجام امور مردم در داد گاههای کینگ بنچ<sup>۲</sup> و کامن پلی<sup>۳</sup> اجازه داده اند که اشخاصی بعنوان کارگشا<sup>۴</sup> وابسته باین داد گاهها تحت نظر مستقیم داد گاه کارگشائی نمایند ولی امور مهم و مسائلی که مهارت بیشتری لازم داشت به باریسترها رجوع میشد .

زمانیکه داد گاههای چانسری تأسیس گردیدند وجود اشخاصی مثل کارگشایان فوق در این داد گاهها نیز ضروری احساس شد ولذا دسته ای بنام سولیسیترها پیدا شدند که نقش آنها تسریع در رسیدگی و دیدن این و آن و خواهش از قضات و بعضی اوقات رشوه دادن به این و آن بود تا جریان دادرسی بسرعت صورت گیرد در داد گاههای کلیسائی نیز دسته نظیر این دسته بوجود آمد که بنام پروکتورها<sup>۵</sup> معروف شده بودند در قرن پانزدهم آتورنی ها بباریسترها در یک محل یعنی در چهار مسافرخانه مخصوص باریسترها زندگی می کردند لیکن چون باریسترها جزو اشخاص متعین و مشخص محسوب می شدند و عنوان جنتمن را داشتند همزیستی با آرتونی ها را در شان خود ندیده آنها را از چهار مسافرخانه های مخصوص خود راندند و نتیجه آن شد که آتورنی ها و پروکتورها و سولیسیترها مؤسسه ای برای خود تشکیل و مرکزی برای این مؤسسه در نظر بگیرند و در سال ۱۷۳۹ مؤسسه بنام انجمن جنتمن های مشغول در خدمت قضائی و داد گاههای قانون و انصاف بوجود آمد و چون آتورنی ها هم بصورت سولیسیترها درآمدند این انجمن در سال ۱۸۳۱ تغییر نام داد و سپس در سال ۱۹۰۳ کانون سولیسیترها<sup>۶</sup> یا کانون وکلاء مشاور بوجود

۱ - Clerk

۲ - King's Bench

۳ - Common Plea

۴ - Attorney

۵ - Proctors

۶ - The Law Society

آمد که فعلاً نیز موجود و در خیابان پشت دادگستری لندن محل اجتماع و کلاء مشاور و مرجع متقاضیان معاضدتی نیز می باشد و دارای یک کتابخانه بسیار بزرگ و نیز محلی برای اجتماع و کلاء مشاور می باشد و طبقات مختلفه فوقانی آن برای دفاتر و ادارات مختلفه اختصاص داده شده بطور کلی مؤسسه ایست مهم و پرمشغله چه از جهت اداره مدرسه مخصوص که برای تعلیم حقوقی و تربیت کارآموزی و اعطاء پروانه تأسیس شده و چه از نظر رسیدگی به امور و کلاء مشاور و رسیدگی به تخلفات و شکایات و چه از نظر اداره امر معاضدت قضائی که یکی از مهمترین مسائل قضائی روز تمام انگلستان را تشکیل می دهد و در آخر این کتاب مبحثی به آن اختصاص داده خواهد شد. **کانون و کلاء مشاور بخصوص باشگاه مفصلی با تمام امکانات در اختیار اعضاء خود قرار داده است که در همان ساختمان کانون می باشد.**

گرچه بموجب قانون به لرد چانسلر اجازه داده شده که عضویت تمام سولیسیتورها را برای کانون در صورتیکه براین امر رای دهند الزامی اعلام نماید لیکن چون استقبال فوق العاده ای از عضویت کانون بعمل آمده لذا استفاده از چنین اختیاری هیچگاه ضرورت پیدا نکرده و تقریباً تمام و کلاء مشاور عضویت کانون مشاورین را پذیرفته اند و این امر بنفع آنها نیز می باشد.

کانون و کلاء مشاورین دفتری دارد که نام تمام سولیسیتورها را پس از گذراندن دوره کارآموزی و موفقیت در امتحان مربوطه با طرز تشریفات خاصی در آن ثبت میکند و یکی از وظایف کانون و کلاء مشاور ثبت و نگه داری نام و کلاء مشاور در این دفتر است<sup>۱</sup>

از زمانیکه کانون و کلاء مشاور تأسیس یافته ورود اشخاص به این شغل مورد کنترل و نظارت شدید قرار گرفته و برای پذیرفته شدن به کانون و کلاء مشاور رفتار و وضع اخلاقی متقاضی همانقدر مورد نظر و کنترل است که اطلاعات علمی و عملی حقوقی و درجات علمی. پس از آنکه متقاضی به کسوت و کالت مشاوره ای در آمد تابع مقررات انضباطی کانون است که بصورت مقررات قانونی و نیز تابع سنت هائی است<sup>۲</sup> که اعمال خلاف شأن و کلالت را سخت مجازات می نماید تا آنجا که نام وکیل

۱ - Keeping the Rolls of Solicitors

۲ - Code of Discipline

متخلف را از دفتر و کلاه حذف می کند<sup>۱</sup> و یا او را بمجازات تعلیق محکوم می نمایند<sup>۲</sup> کانون و کلاه مشاور بوسیله هیئت مدیره<sup>۳</sup> یا شورا اداره میشود و برای انجام وظایف و اداره امور شورا کمیته هائی انتخاب می کند و بالاخره مهمترین نقشی که بعهدہ کانون و کلاه مشاور گذارده شده اداره امر معاضدت قضائی در سراسر کشور است و باتوجه به وسعت و اهمیتی که موضوع معاضدت قضائی در کشور انگلستان دارد اهمیت نقش کانون و کلاه مشاور آشکار می گردد.

برای ورود به این شغل متقاضی باید دوره کارآموزی را گذرانده و از عهدہ امتحانات مقرر برآید.

الف - گذراندن امتحان کانون<sup>۴</sup> - از خصوصیات کانون های انگلستان یکی این است که برای ورود بشغل و کالت مشاوره ای (سولیسیتور) و نیز ورود به شغل و کالت دادگستری (باریستر) متقاضی نیازی ندارد که دوره دانشکده را گذرانده باشد بلکه بدون داشتن مدرک تحصیلی نیز می تواند تقاضای ورود به شغل و کالت را بنماید مشروط براینکه از عهدہ امتحانات مقرر در کانون و کلاه برآید و بدین منظور مدرسه بنام مدرسه کانون و کلاه مشاور وجود دارد<sup>۵</sup> که اداره آن بعهدہ کانون و کلاه مشاور می باشد و متقاضی باید سه نوع امتحانات را در آن مدرسه بگذراند.

۱ - امتحان مقدماتی مربوط به اطلاعات عمومی

۲ - امتحان متوسط در خصوص اطلاعات عمومی حقوقی و حسابداری و

نگهداری حساب امانات و وثائق

۳ - امتحان نهائی که شامل مواد زیر است.

۱ - مالکیت بطور کلی

ب - انتقالات

ج - آئین دادرسی اعم از مدنی - جزائی ، تجاری

د - کامن لو و انصاف

امتحان نهائی که شامل اطلاعات حقوقی صنفی است از امتحانات مشکل

۱ - To Struck off the Rolls

۲ - Suspension

۳ - Council

۴ - Passing of Examination

۵ - School of the Law society

می باشد. البته کسانی که دارای درجه دانشگاهی باشند از امتحان مقدماتی معاف اند و نیز کسانی که در کانون وکلاء مدافع (باریستر) پذیرفته شده اند و یا گواهی تعلیمات عمومی (متوسطه) را در دست دارند می توانند بدون گذراندن امتحانات مقدماتی پذیرفته شوند. برای کسب اطلاعات مربوط به امتحانات متوسط حقوقی که قبلاً گذشت کانون وکلاء کلاس های مخصوص تحت نظر خود تأسیس و از استادان فنی و وکلاء مشاور و وکلاء مدافع برای تدریس استفاده میکند.

در این کلاسها حسابداری و نگه داری حساب امانت و حقوق مالکیت اعم از قراردادها و حقوق عینی و حقوق خسارات.<sup>۱</sup>

حقوق اداری<sup>۲</sup> شامل حقوق اساسی، تشکیلات دادگاهها و تشکیلات کانون های وکلاء و حقوق جزاء و آئین دادرسی های جزائی و مدنی تدریس میشود اشخاص زیر از گذراندن امتحانات متوسط معاف اند.

۱ - کسانی که از دانشگاهها لیسانس و یا درجه ای دارند و یا از مدرسه حقوق فارغ التحصیل شده اند

۲ - کسانی که با درجه افتخاری از بعضی مدارس دیپلم گرفته اند.

۳ - اعضاء کانون وکلاء مدافع (باریستر)

امتحانات نهائی شامل مواد زیر است.

۱ - حقوق مالکیت اعم از شخصی و عینی و اصول و مقررات انتقال مالکیت و طریقه عملی آن<sup>۳</sup>

۲ - حقوق قراردادها<sup>۴</sup>

۳ - حقوق مربوط به وصایا و امور حسبی متوفی بلاوصیت<sup>۵</sup>

۴ - حقوق مربوط به مالیات و مالیات برارث و هزینه های دادگاه و غیره<sup>۶</sup>

۵ - حقوق تجارت و شرکتهای<sup>۷</sup>

علاوه از دروس اجباری فوق دو دسته مواد انتخابی زیر اختیاری است.

۱ - The Law of Torts-Property-Contract, Real Property

۲ - Public Law

۳ - Personal and Real Property and Principles and Practice of Conveyancing.

۴ - The Law of Contract

۵ - The Law of Wills and the intestate Succession

۶ - The Law Relating to Income Tax, death Duty and Stamp Duties

۷ - Company Law and Partnership



رشته اول

- ۱ - آئین دادرسی و حقوق عملی مربوط به دادگاههای صلحیه
- ۲ - حقوق تعارض قوانین و دعاوی زناشویی<sup>۱</sup>
- ۳ - حقوق اداری حکومتهای محلی<sup>۲</sup>
- ۴ - حقوق مربوط به مالکیت صنعتی - اختراع حق مؤلف و مصنف و طرح و علائم تجارتي<sup>۳</sup>

رشته دوم

- ۱ - حقوق عملی دادگاههای شهرستان و امور مربوط به ورشکستگی<sup>۴</sup>
- ۲ - بیع و انتقالات و حقوق کارگرو کارفرما و صدمات وارده در کارخانه و بیع اقساطی ، بیمه ، اجاره ، حمل و نقل کالا و حقوق مربوط به هتل داری<sup>۵</sup>

- ۳ - حقوق مربوط به کشتی و حمل و نقل دریائی و بیمه دریائی<sup>۶</sup>
- ۴ - حقوق مربوط به امور آبادانی شهرها و مسکن و بیع اجباری در مورد قوانین توسعه معابر<sup>۷</sup>

کارآموزی<sup>۸</sup> علاوه از گذراندن امتحانات دوره کارآموزی نزد وکیل سرپرستی که کمتر از ۵ سال سابقه وکالت مشاوره ای ندارد انجام خواهد شد دوره کارآموزی پنج سال است در مورد اشخاصیکه دارای درجه لیسانس دانشگاهی هستند این دوره به ۳ سال تقلیل داده شده است بنا براین تمام مدت تحصیل و کارآموزی برای کسانیکه از درجه لیسانس باشند ۶ سال و برای کسانیکه تحصیلات دانشگاهی ندارند ۵ سال می باشد معهدا غالب متقاضیان ترجیح میدهند که با داشتن

- ۱ - Conflict of Laws-Matrimonial Cases
- ۲ - Local Government Law
- ۳ - The Law Relating to Patent, Copyright, Disigns and Trade Mark.
- ۴ - Practice of the High Court Including practice in Bankr ptey
- ۵ - Sale of Goods, Negotiable Instruments, Master and Servant, Industrial injuries, Hire-Purchase, Insurance, the General Principle of Bailment, Carriage of Good and inn Keepers
- ۶ - Admiralty Law and Practice, Carriage of Goods by Sea and Marin-Insurance
- ۷ - Town and Country Planning, Compulsory Purchase and Rate Practice Before the Land Tribunal
- ۸ - Serving Under the Article of Clerkship

لیسانس وارد شغل و کالت شوند زیرا وجهه اجتماعی آنها بمراتب بیشتر از کسانست که بدون دوره لیسانس بشغل و کالت می پردازند.

کانون و کلاء مشاور به انجام دوره کارآموزی اهمیت فراوان میدهد و بخصوص متقاضی برای اثبات سابقه خوب و رفتار نیک خود به معرف<sup>۱</sup> احتیاج دارد و در این خصوص کانون و کلاء نهایت دقت را می نماید که اشخاص ناباب وارد این حرفه نشوند و برای این منظور کانون و کلاء مشاور اختیار تام دارد با همه این قید و بندها و انتظارات زیادی که از متقاضی چه از لحاظ عملی و چه از نظر عملی و چه از جهت اخلاقی دارند معهدا کانون و کلاء مشاور معتقد است که سیستم تعلیم و تربیت کانون و کلاء رضایت بخش نبوده و قیود و حدود بیشتری برای اعتلای حرفه لازم است.

#### نوع کار و کلاء مشاور

و کلاء مشاور میتوانند دو نوع کار قبول نمایند نوع اول کارهایی است که ارتباط با دادگاههای صلحیه و کانتی دارد و بعبارت دیگر دعاوی مربوط به دادگاهها تالی زیرا چنانکه در فصل مربوط یادآور شد و کلاء مشاور حق دفاع در دادگاههای شهرستان و استان را ندارند این نوع وظائف و امور دادگاهی آنان را کارهای دادگاهی می نامند<sup>۲</sup> و در انجام این وظیفه کلیه اقدامات از تهیه دلائل و احضار و اقامه شهود تا دفاع از خواسته و اجرای آن را بعهد و کلاء مشاور است.

و در امور مهم تری که در این دادگاههای تالی طرح میشود با آنکه سولیسیتورها حق دخالت دارند معهدا از نظر اهمیت موضوع به یک باریستر مراجعه می کنند و با پرداخت حق الوکاله به باریستر بشرحی که بعداً خواهد آمد از او می خواهند که در دفاع از موکلشان اقدام و دعوا را قبول نمایند و در این صورت دلائل و اسناد موکل را بصورت مکتوبی در آورده و همه آنها را ضمیمه کرده و برای باریستر می فرستد و این مکتوب<sup>۳</sup> عبارت از یک بسته از اوراقی است حاوی شرح دعوی و رونوشت اسناد و دلائل و تحقیقاتی که سولیسیترا از شهود نموده و برای باریستر ارسال می دارد.

و در موقع محاکمه<sup>۴</sup> سولیسیترا در صف دوم پشت سر باریستر می نشیند و هرگاه

۱ - Referee

۲ - Contentions Function

۳ - Brief

۴ - Trial

باریستر احتیاجی به سؤال و یا مطلبی داشته باشد از سولیسیتر که به جزئیات عملی وقایع دعوی وارد تراست سؤال می نماید و بدین ترتیب محاکمه با توجه به تقسیم کار سولیسیتر و باریستر انجام می پذیرد.

نوع دیگر کارهای سولیسیتر کارهای غیرداد گاهی است که در آن دعوائی مطرح نیست<sup>۱</sup> از قبیل مشاوره هائی که موکلین از او درخواست می کنند و در مقابل آن حق المشاوره می پردازند و نیز انجام و تهیه اسناد و قراردادها و وصیت نامه و انجام عملیات خرید و فروش خانه و امثال آن. معمولاً هر خانواده و یا هر فردی سولیسیتری دارد که در موقع لزوم و انجام یک عمل حقوقی به او رجوع مینماید و در امور خانوادگی مشاور و هادی خانواده می باشد. تقریباً هر شرکت و یا مؤسسه تجارتنی دارای وکیل مشاور است که کلیه عملیات حقوقی تحت نظر و با هدایت او انجام میشود و بدین ترتیب از ایجاد دعاوی جلوگیری بعمل می آید.<sup>۲</sup>

کار مهم و کلاء مشاور عبارتست از تنظیم اسناد<sup>۳</sup> برای خرید و فروش زمین و خانه و یا تهیه و تنظیم وثائق<sup>۴</sup> و تصفیه امور و اداره اسوال متوفی<sup>۵</sup> و تهیه پول<sup>۶</sup> در مقابل وثیقه<sup>۷</sup> و فروش سرقفلی و نام تجارتنی<sup>۸</sup> انحلال شرکتهای<sup>۹</sup> فسخ اجاره<sup>۱۰</sup>

#### ۱ - Non Contentions Matters

۲ - یکی از طرق جلوگیری از ایجاد دعاوی و کاستن دعاوی داد گستری در ایران آن است که بموجب قانونی شرکتهای و مؤسسات تجارتنی ملزم بداشتن وکیل باشند و دعاوی بدون دخالت وکیل طرح و تعقیب نگردد. این مطالبات فرنگی اقدامات قضائی از هر قبیل نظیر ثبت شرکتهای و علائم تجاری و امور اجرائی نیز با دخالت وکیل داد گستری انجام یابد. طرح اخیر سنا متأسفانه بدون توجه باین اصول قضائی و اجتماعی و برخلاف رویه کشورهای مترقی تهیه و تنظیم شده است عدم توجه باین اصول و فقدان قانون مترقی موجب گردیده که داد گستری ما برخلاف تمام داد گستری های کشورهای مترقی بازار دعاوی و دلالی شده و بصورت یک بورس همه روزه مملو از ارباب رجوع باشد وضعی که در هیچیک از کشورهای عالم وجود ندارد.

- ۳ - Drawing up Documents
- ۴ - Carrying out of Mortgage
- ۵ - Winding up the Estate
- ۶ - Settling Money
- ۷ - Lending Money on Mortgage
- ۸ - Selling the Goodwill
- ۹ - Dissolving a Partneaship
- ۱۰ - Terminating a Lease

فروش اختراع<sup>۱</sup> و انجام امور مشابه. بدین ترتیب ملاحظه میشود که سولیسیترها در تمام امور دخالت داشته و کارشان بیشتر جنبه تجارتي دارد تا جنبه دفاع از دعاوی در صورتیکه باریسترها بیشتر در یک یا دورشته تخصص داشته و فقط در رشته تخصصی خود دخالت می نمایند. گذشته از انجام امور وکالتی سولیسیترها در انجام خدمت قضائی نیز سهیم و شریک اند باین معنی که در داد گاههای تالی (داد گاههای صلح و کانتی و داد گاههای فصلی) از وجود آنان استفاده میشود و از این بابت نیز حقوق دریافت می دارند چنانکه در مبحث داد گاههای نایزسترایت اشاره شد کسانیکه از مردم انتخاب و امر رسیدگی را بعهده دارند از نظر مقررات آئین دادرسی و قوانین مربوطه تابع نظر منشی داد گاه<sup>۲</sup> هستند که این منشی از بین سولیسیترها انتخاب و در داد گاه انجام وظیفه می نماید.

#### مقررات و دستگاه انتظامی و کلاء مشاور<sup>۳</sup>

مقررات انضباطی بمنظور حفظ شئون و کالت و حمایت از شغل و حرفه و کالت و ایجاد اطمینان و اعتمادی است که برای بقا و پیشرفت و اعتلای وکالت لازم و ضروری است. مضافاً باینکه وجود این مقررات و دستگاه از حقوق افراد و مشتریان و کلاء نیز حمایت کرده و بالنتیجه جامعه ای سالم و ثمربخش می سازد و از این جهت به جامعه نیز خدمت میکند.

سولیسیترها مانند باریسترها در مقام حفظ دفاع از حقوق موکلشان از یک نوع مصونیت و حمایت قانونی کامل برخوردارند، هیچکس و هیچ مقامی حق ندارد که آنان را به افشاء اسرار و امور موکلشان ملزم و مجبور سازد در مقام دفاع از حق موکلشان از هرگونه آزادی بیان و قلم برخوردارند اصولاً وضع اجتماعی طوری است که این مسئله از مسائل عادی و پیش پا افتاده و بدیهی است و نه تنها ذکر آن در کتاب لازم نیست بلکه این مسئله برای افراد اجتماع انگلیسی پیش نمی آید که وکیل در دفاع و حفظ از حقوق موکلش آزاد نباشد و این امور بصورت سنت درآمد و برای همه قابل احترام است معهذا این مصونیت مانع از آن نیست که مقررات انضباطی و کلائی را که برخلاف سنت و شأن وکالت رفتار

۱ - Selling an invention

۲ - Clerk

۳ - Disciplinary Measures

می‌کنند مجازات ننماید و بهمین جهت رفتار<sup>۱</sup> و اعمال و کلاء تحت کنترل و سانسور صنفی دقیق و سختی است که از طرف کانون‌های و کلاء و نیز از طرف همکاران آنها اعمال میشود و کوچکترین رفتاری که به‌شأن و کالت لطمه وارد سازد از طرف کانون و حتی از طرف همکاران مورد اعتراض و مجازات انضباطی و عکس العمل‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و در بعضی موارد که رفتار و کیلی موجب لطمه و یا زیان به نام و شهرت حرفه و کالت گردد مقررات انضباطی پیش‌بینی شده و کیل مربوطه را تا حد انفصال ابد از شغل و کالت و حذف نام او از صورت و کلاء مجازات می‌نماید.<sup>۲</sup>

مقرراتی که بموجب قانون سولیسیتورها<sup>۳</sup> وضع گردیده دونوع اعمال خلاف را برای سولیسیتورها پیش‌بینی نموده است نوع اول اعمال خلاف شأن و کالت و حرفه‌ای است<sup>۴</sup> که در این صورت و کیل متخلف به غرامتی تا / . . . لیره محکوم میشود چنانکه سولیسیتوری شخص دیگری را که فاقد صلاحیت است همراهی کرده و امکان اشتغال او را به اموری که منحصراً جزو کارهای سولیسترهاست فراهم سازد و یا وکیل منفصل را در دستگاه خود بعنوان کارمند بپذیرد<sup>۵</sup> تحت تعقیب انتظامی قرار خواهد گرفت.

#### کمیته انضباطی<sup>۶</sup>

کمیته انضباطی متشکل از ۹ عضو است که از بین اعضاء هیئت مدیره کانون توسط رئیس کل محاکم استان<sup>۷</sup> انتخاب می‌گردند این ۹ نفر باید حتماً از وکلاء مشاوره انتخاب شوند که در حال اشتغال به شغل و کالت و در حال عمل به وکالت هستند.

در تمام شکایاتی که به کمیته انضباطی رجوع میشود کانون و کلاء مشاورین بعنوان شاکی دخالت دارد و از حق و شأن حرفه و کالت دفاع می‌نماید نکته جالب آنست که اعمال خلاف قانون و جرائمی که سولیسیتور ممکن است در خارج از حدود امور و کالتی انجام دهد و جزء جرائم عمومی می‌باشد. قابلیت طرح و تعقیب در

۱ - Conducts

۲ - To be struck off the Rolls

۳ - Solicitors Act 1957

۴ - Professional Misconducts

۵ - Solicitors Act 1957 Section 34

۶ - Disciplinary Committee

۷ - Master of Rolls

کمیته انضباطی را دارد و کمیته میتواند شکایات را رد و یا قبول کند.

مجازاتهای انضباطی ممکن است از انواع زیر انتخاب و اعمال شود

۱ - انفصال ابد از شغل و کالت<sup>۱</sup>

۲ - تعلیق از اشتغال بشغل<sup>۲</sup>

۳ - پرداخت غرامت تا ... لیره<sup>۳</sup>

۴ - پرداخت خسارات وارده<sup>۴</sup>.

تمام مجازاتهای فوق از طریق آگهی در روزنامه به اطلاع افراد خواهد رسید تا از جریان رفتار سولیسیتور متخلف آگاه گردند.

شک نیست که سولیسیتوری که به یکی از مجازاتهای انتظامی فوق محکوم

گردیده حق شکایت استینافی به بخش قراردادهای دادگاه شهرستان خواهد داشت

همچنین شاکی میتواند از حکم انتظامی صادره تقاضای رسیدگی استینافی بنماید.

۲ - باریسترها ( و کلاء مدافع )

کلمه باریستر لقب و رتبه و شأنی است که در انگلستان توسط یکی از کانون‌های چهارگانه و کلاء مدافع<sup>(۵)</sup> به متقاضی و کالت اعطاء می‌گردد. برای افراد اجتماع مفهوم این کلمه دارای عظمت و مقام و ابهت و خصوصیتی است که در کمتر کشوری میتوان نظیر آن را یافت. کسی که دارای چنین عنوانی است در نظر افراد شخصیتی است فاضل و دانشمند و حقوقدانی است که حقایق قانونی و واقعیت اجتماع را درک می‌کند اوست که بر سرنوشت و مقررات قانونی کشور حاکم و در تعیین آنها سهمیم و شریک است. روحی دارد پر عظمت و بلند و مقاسی دارد منیع و رفیع و در درک واقعیات اجتماعی و حقوقی از دیگران سریع‌الانتقال تر و بحقایق و مشکلات زندگی واقف تر و در درک مشکلات مردم و رفع آنها تیز بین و از همه مهمتر حامی حقوق افراد و ملجا و پناهگاه مردمی است که طبع تبعیض پسند اجتماع انسان‌ها آنها را به پشت میله‌های زندان فرستاده و یا در چنگال عدالت گرفتار ساخته است و یا محرومیت از مواهب اجتماعی که نتیجه این تبعیض است آنها را محکوم به زندگی مختصر و ریزه‌خوار خوان دسته دیگر ساخته است.

۱ - To Be struck off the Rolls

۲ - Suspenssion

۳ - To pay a Fine

۴ - To pay the Cost

۵ - The Four Inns of Court

وکیل مدافع حامی کسانی است که قدرت و توانائی دفاع از حقوق حقه خود را ندارند. و در کار قانون عصائی است برای راهنمائی نایبانیان، جرأت و شهامت او تا حدی است که میتواند در مقابل ستمگران مقتدر بخاطر حفظ حقوق افراد ضعیفی که از او تقاضای حمایت کرده‌اند خودنمائی کرده و آنها را با قدرت قانون محکوم و منکوب سازد و بر سر جایشان بنشانند. وکیل مدافع مخزن اسرار خانواده‌ها و افراد و اشخاص است و در حفظ اموال و حقوقی که با وسپرده شده‌امین و دلسوز و غمخوار است. در مقام دفاع از ضعفا و مظلومین و محرومین روحی بزرگ و اراده قدسی و آهنین دارد و بهمین جهت افراد بچشم تقدس و تقوی و فضیلت و شهامت باو می‌نگرند.

این انتظارات وکیل مدافع را بر آن می‌دارد که در این راه صعب و پر مشقت خود را آماده انجام این وظیفه کند و خود را شایسته و لایق این خدمت سازد و از این سعادت نصیبی بزرگ ببرد و برای نیل به این سعادت منافع مادی و معنوی و حتی خود را فراموش میکند و ازین بی‌باکی و جرأت بیم و هراسی بخود راه نمی‌دهد اوسمی دارد سربازی آماده بخدست برای حفظ حقوق افراد و جامعه و کشیشی دلسوز برای مردم محروم باشد.

گذشته از شخصیت خود وکیل که نقش اساسی در پاسخ گفتن به این احتیاجات و وظایف اجتماع بازی می‌کند، کانون‌های و کلاء نیز در ساختن و آماده کردن چنین افراد و تحویل آنها به جامعه باری گران و مسئولیتی سنگین برعهده دارند. از دوره کارآموزی و پرورش آنها گرفته تا زمان اشتغال به حرفه و کالت و مرحله پیش‌کسوتی، کانون و کلاء بریک یک اعضا خود مراقبت و نظارت علی‌الدوام دارد و برای حفظ شأن این دستگاه مهم و حساس اجتماعی وسائلی در اختیار او گذارده شده که هر یک را بنوبه خود بکار می‌بندد. مهمترین این ابزار و وسایل سنت‌های پرارجی هستند که طی قرون و سالهای متمادی ذره ذره بدست آمده و بیش از قوانین و مقررات و مجازاتهای انتظامی اعتبار و ارزش و اثر دارد.

این سنن از قدیم‌الایام در ع کانون که مجموعه آنها کانون و کلاء مدافع انگلستان (باریسترها) (۱) را تشکیل می‌دهد بتدریج بوجود آمده‌اند و امروزه

در کنار قواعد و مقررات موضوعه حاکم بر سرنوشت کانون و وکلاء مدافع می‌باشند.

این چهار کانون عبارتند از کانون لینکلن (۱) - کانون اینترتمپل (۲) کانون میدل تمپل (۳) - کانون گریزاین (۴). مجموع این چهار کانون مختلف کانون وکلاء مدافع (باریستر) انگلستان (۵) را تشکیل می‌دهند که تنها کانون برای تمام کشور انگلستان است.

حق دفاع در محاکم منحصرأ به کسی اعطا شده که توسط یکی از این کانون‌ها به کانون وکلاء مدافع انگلستان پذیرفته شده باشند (۶)

باریسترها از قرن ۱۳ در انگلستان وجود داشته‌اند و کانون وکلاء انگلستان بدین ترتیب سابقه هشتصد ساله دارد و در طی این قرون سنت‌ها و مقررات صیقلی شده و بصورت کنونی درآمده‌اند. در قرن ۱۷ کارآموزان حرفه باریستری در هتل‌هایی در مرکز شهر لندن بسر می‌بردند و زندگی نیمه طلبه‌ای داشتند و تابع یک سیستم مشترکی از تعلیم و تربیت و نظم و انضباط بوده‌اند. پیش کسوتان که به سرجان (۷) معروف بودند کانونی مخصوص بخود داشتند که کانون پیش کسوتان نام داشت (۸) و قضات دادگاه‌های انگلستان نیز عضو این کانون بوده‌اند.

کانون‌های امروزی هر یک مستقل و تابع مقررات مربوط به خود هستند معهدا در خصوص تعلیم و تربیت وکلاء و پرورش کارآموزان و امتحانات مقرر هر چهار کانون مشترکاً اقدام و از یک نوع مقررات تبعیت می‌کنند. هر کانون دارای سه دسته عضو است که عبارتند از دانشجویان (۹) - باریسترها (۱۰) - اعضای هیئت مدیره کانون (۱۱). اعضای هیئت مدیره که در واقع اداره کنندگان هر کانون‌اند دارای مقام‌های عالی قضائی بوده و از ۳ تا ۷ عضو تشکیل می‌گردند از این عده ۲ نفر عضو افتخاری می‌باشند.

- ۱ - Lincoln's Inn
- ۲ - Inner Temple
- ۳ - Middle Temple
- ۴ - Gray's Inn
- ۵ - The English Bar
- ۶ - Called to the Bar
- ۷ - Sergeants
- ۸ - Sergeants Inn
- ۹ - Students
- ۱۰ - Barristers
- ۱۱ - Benchers



هیئت مدیره اختیار تام در قبول یا رد تقاضاها دارد و توجه مخصوصی به اخلاق و رفتار و سوابق متقاضی می‌نماید و چون ضمناً دادگاه انتظامی و کلاست لذا می‌تواند با تصمیم خود هر کسی را که بخواهد بپذیرد و هر کسی را که مایل نباشد از ورود به حرفه و کالت محروم و ممنوع نماید.

امور و مسائل مشترك چهار کانون تحت نظر کمیته مشترکی (۱) که از اعضاء چهار کانون انتخاب می‌گردد مورد شور و تصویب قرار می‌گیرد. امتحانات کانون و کلاء تحت نظر شورای تعلیم و تربیت قضائی انجام و اعضاء این شورا (۲) از طرف چهار کانون تعیین می‌شوند.

شورائی بنام شورای کل کانون و کلاء (۳) متشکل از نمایندگان چهار کانون تشکیل گردیده که نسبت به مسائل عمده و امور مهم مانند استقلال و حیثیت و شأن و افتخارات کانون اظهار نظر و اتخاذ تصمیم می‌نماید و در امور مربوط به حرفه و کالت و ارتباط کانون با قوه قضائیه و مجریه مسائل را مورد شور و تصویب قرار میدهد و نیز مسائل مربوط به تعلیم و تربیت قضائی و کلاء و بهبود وضع و تشکیلات دادگستری و آئین دادرسی و رویه‌های قضائی و معاضدت قضائی و نیز رفتار شغلی و کلاء و انضباط و نزاکت شغلی دخالت و نظارت تام دارد.

اهمیت این شورا بقدری است که اعضاء آن باید دارای لا اقل ده سال سابقه و کالت بوده و دادستان کل لزوماً عضو این شورا می‌باشد. یکی از خصوصیات نظام کانون و کلاء انگلستان و دستگاه قضائی آن است که قضات لزوماً عضو یکی از این چهار کانون بوده و در امور مربوطه کانون با و کلاء شرکت دارند و یکدیگر را رفیق (۴) خطاب می‌کنند. این مسئله در حسن تفاهم بین قضات و وکلاء و رفتار آنها با یکدیگر در دادگاه اثر فراوان دارد (متأسفانه در ایران شکاف بزرگی بین قضات و وکلاء وجود دارد و این روح تفاهم در بین نیست و امید است با ایجاد یک کانون مشترك قضات و وکلاء این حسن تفاهم برقرار گردد تا این نزدیکی همه را باهم آشنا و آشنائی را خالی از هر گونه انتظاری بنماید تا از این طریق ضمناً به عدالت کمک شده باشد.

۱ - Joint Committee

۲ - The Council of legal Education

۳ - The General Council of the Bar

۴ - Friends at Court

شورای کل به کمیته‌های مختلفی تقسیم شده و کمیته به امر مخصوص رسیدگی می‌نماید مانند کمیته تعلیم و تربیت (۱) - کمیته معاضدت (۲) کمیته رفتار شغلی و کلاء (۳) کمیته سازمان‌های دادگاه‌های عمومی (۴)

شورای کل حق وضع و تصویب مقررات مربوط به کانون و نزاکت شغلی را داراست و رئیس شورای کل (۵) که در واقع رئیس هیئت مدیره می‌باشد مشترکاً با رئیس کانون و کلاء مشاورین (۶) به اختلافات حاصله بین و کلاء مشاور و و کلاء مدافع رسیدگی می‌نماید.

تا کنون ۱۰ هزار نفر به عضویت کانون و کلاء مدافع انگلستان پذیرفته شده‌اند که همگی آنها عملاً به شغل و کالت اشتغال ندارند و از این عده بیش از ۲۰۰۰ نفر به شغل و کالت مشغول نیستند که از این عده نیز ۱۰۰ نفر در لندن و بقیه در شهرستانها مشغولند.

هرگاه تعداد و کلاء مدافع را با تعداد ۲۰۰۰۰ نفر و کلاء مشاور در نظر بگیریم جمعاً در تمام انگلستان ۲۲۰۰۰ نفر وکیل مدافع و وکیل مشاور در خدمت قضائی اجتماع ۱۰ میلیونی هستند که میتوان برای هر ۲۰۰۰ نفر یک وکیل در نظر گرفت در آمریکا برای هر ۷۰۰ نفر یک وکیل دادگستری وجود دارد و در ایران برای هر ده هزار نفر جمعیت یک وکیل موجود است که بعلت وضع اجتماعی و اقتصادی میتوان گفت که تعداد و کلاء در ایران بسیار زیاد است و این عدم تناسب موجب گردیده وضع مادی و معنوی و کالت بصورت ناهنجار فعلی درآید بخصوص که قانونگذار و مسئولین امر اهم از کانون و دولت در صدد اصلاح حال و وضع و کلاء و بازگرداندن کار و کلاء به آنها نیستند. متأسفانه علاوه برآنکه چاره‌ای نمی‌اندیشند برخلاف قانون اجاره و ورود بازنشستگان را به حرفه و کالت داده و بدین وسیله راه را بر جوانان تحصیل کرده بسته‌اند

کانون و کلاء انگلستان که بهتر است آن را کانون باریسترها نام نهاد نه تنها مؤسسه حقوقی مستقلی است که اداره امور و کلاء و حفظ شئون حرفه و کالت

- ۱ - Legal education committee
- ۲ - Legal Aid Committee
- ۳ - The Professional Conduct Committee
- ۴ - The Court Building Committee
- ۵ - The Cherman of the Council
- ۶ - The President of the Low Society

باو واگذار شده بلکه در تمام شئون اجتماعی وقانونگزاری وامور مربوط به قوه قضائیه حق دخالت داشته واز این حق و اختیار به انحاء مختلفه استفاده می نماید و بدین وسیله سهمی را که در خدمت اجتماع بعهدہ گرفته ایفاء می نماید.

کانون وکلاء مستقیماً در تشخیص لزوم وضع قوانین جدید ومطالعه و تهیه متون قوانین وپیشنهاد آن ها توسط باریسترهایی که در تمام شئون اجتماعی دخالت دارند اقدام می کند. در تمام ادارات قوه مجریه وقوه قضائیه وقوه قانونگزاری از وجود باریسترها استفاده میشود ودر اداره امور کشور انگلستان نظر باریسترها لازم الاتباع است. گذشته از دخالت باریسترها در امور ادارات بعنوان مشاورین حقوقی ونیز دخالت آنها در مؤسسات نیمه دولتی وسازمان های بین المللی اصولاً باریسترها در سازمان های دولتی وقوای سه گانه بعنوان کارمندان رسمی دولتی دخالت دارند وچنانکه درمبحث مربوط به سازمان داد گستری مذکور افتاد باریسترها بعنوان اعضاء و نمایندگان دادستان کل همه روزه در اختیار دستگاه پلیس که سمت دادستانی را داراست می باشند ومشکلات ومعضلات قضائی را حل وفصل می نمایند وپلیس انگلستان درتمام روز می تواند تلفنی با این باریسترها در تماس باشد ودستورات لازمه را اخذ کند. ضمناً باریسترگاهی وکیل مدافع افراد وگاهی وکیل مدافع حقوق عمومی است وچون در نظام قضائی انگلستان دستگاه دادستانی بصورت دادستان وبازپرسی ودادیار وجود ندارد لذا پلیس از یکی از باریسترها تقاضا می کند که دعوای او را مثل دعاوی افراد بپذیرد ودردادگاه از حق عمومی دفاع کند ودر مقابل آن پلیس مثل افراد معمولی حق الوکاله می پردازد و بدین وسیله دستگاه عمومی از وجود باریسترها بعنوان وکلاء عمومی در دادگاهها استفاده می کند واز این راه باریسترها در گردش چرخ حکومت مستقیماً وارد می باشند.

کانون وکلاء از نظر اداره عدالت انگلستان نیز نقش اساسی دارد زیرا تمام قضات انگلستان عضو کانون وکلاء وجزء افراد کانون هستند وپرورش یافته کانون می باشند زیرا چنانکه در فصل مربوط به قضات ملاحظه خواهیم کرد قضات از بین وکلاء مدافع پیش کسوت که لااقل ۱۰ سال سابقه وکالت داد گستری ( باریستری ) داشته و بسن . . رسیده باشند انتخاب میشوند.

پذیرفته شدن بکانون یا ورود به کانون

کسانیکه بخواهند به لباس و کالت درآیند و عضو یکی از این چهار کانون گردند باید:

اولاً - از عهده امتحانات مقرر بر آیند.

ثانیاً - دوره مخصوص غذا خوردن را در یکی از کانون ها طبق رسم معموله بگذرانند.

ثالثاً - کمتر از ۲۱ سال نداشته باشند.

رابعاً - تعرفه مخصوص را به کانون مربوطه بپردازند.

باین ترتیب گذراندن دوره لیسانس و داشتن درجه علمی دانشکده حقوق شرط ورود به کانون و کلاء نیست و هر کس می تواند پس از گذراندن امتحانات مورد نظر به عضویت کانون و کلاء درآید. امتحانات در حدود قوه لیسانس حقوق بوده و همان موادی است که در دانشکده حقوق تدریس میشود.

ورود به کانون و کلاء برای اشخاصیکه به بعضی مشاغل اشتغال دارند ممنوع است مثلاً سولیسترها و سردفتران - اعضاء و مستخدمین داد گستری - نمایندگان و اعضاء پارلمان - مهندسین مشاور و مستخدمین دولت و نیز کسانیکه از راه تجارت و نظائر آن کارشان جنبه درآمد مادی و جمع ثروت است از ورود به شغل و کالت ممنوع اند و تشخیص این امر بعهده اعضاء هیئت مدیره (۱) و گذار گردیده است پذیرفتن خارجیان نیز بسته به نظر و اجازه هیئت مدیره کانون است. متقاضی می تواند شش ماه پس از دوره کارآموزی تقاضای عضویت کانون را بنماید و در زمان دانشجویی و کار حق هیچگونه فعالیت مادی و کار و کالتی ندارد.

شورای تعلیم و تربیت و کلاء مدرسه بنام مدرسه حقوق کانون و کلاء داد گستری (۲) تأسیس نموده که در آن موادی نظیر مواد دانشکده حقوق تدریس می گردد که بمنظور جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آن مواد خودداری میشود.

از داوطلبان امتحان هر سال یک چهارم قبول و بقیه مردود می گردند و این امر میرساند که کانون و کلاء تا چه حد در امر تعلیم و تربیت و کلاء سخت گیر و دلسوز است. در سال ۱۹۰۶ از ۴۷۲ نفر داوطلب فقط ۱۱۷ نفر از عهده امتحانان بر آمده اند.

۱ - Masters of the Bench

۲ - The Inns of Court School of Law

هر دانشجو باید سنت غذا خوردن را (۱) با حضور در تعداد معینی از دفعات در سالن غذاخوری کانون مربوطه انجام دهد این سنت بمنظور آشنا شدن مبتدی به رفتار و اعمال و کلاه و نیز شناسائی با آنان است.

مدت کارآموزی دانشجو شش ماه است که باید تحت سرپرستی یکی از باریسترها انجام پذیرد و پس از گذراندن دوره کارآموزی و پذیرفته شدن به کانون کارآموزی تواند بلافاصله به وکالت اشتغال ورزد و قبول وکالت نماید. باریسترها وکالت انواع و اقسام امور قضائی را قبول می نمایند بعضی از امور قضائی بصورت دعاوی در محاکم است و برخی بصورت موضوعات قضائی که نسبت به آنها دعوائی مطرح نگردیده است. حق حضور در محاکم و دفاع از دعاوی (۲) منحصرأ در صلاحیت وکلاء دادگستری است. و باریسترها طبق یکی از سنت ها حق ندارند مستقیماً با موکلین خود تماس داشته باشند بلکه همیشه سولیسیترها وکلاء مدافع ( باریسترها ) را انتخاب کرده و بین باریستر و موکلین واسطه خواهند بود و این سنت از جهت بالابردن شأن و مقام وکالت نهاده شده است باریسترها غالباً موکلین خود را ندیده و نمی شناسند. و موضوع حق الوکاله نیز طبق سنت بین سولیسیتر و منشی باریستر مطرح و به منشی پرداخته میشود زیرا بحث مادی از طرف باریستر نیز یکی از مواردی است که خلاف شأن و منزلت باریستر تشخیص داده شده است. سولیسیترها وقتی باریستری را برای دفاع از موکلشان در دادگاه انتخاب می کنند شرح واقعه و دعوی را در چند صفحه نوشته و بنام مکتوب (۳) برای باریستر می فرستند و او پشت آن را امضاء می کند؛ این امضاء بمنزله قبول وکالت است و رد وکالت پس از قبول برخلاف شأن و حیثیت آن باریستر خواهد بود و نیز باریستر حق ندارد میزان حق الوکاله ای را که بین منشی او و سولیسیتر تعیین شده تغییر دهد و تخفیف مبلغی از حق الوکاله برخلاف شأن وکالت بوده و مستوجب مجازات انتظامی می باشد.

باریسترها پس از گذشتن مدتی که معمولاً کمتر از ده سال نمی تواند باشد تقاضائی به لرد چانسلر ( قاضی القضاات ) تقدیم و از او تقاضا می کنند که آنها را بدرجه پیش کسوتی (۴) ارتقاء دهد. لازمه اعطاء این درجه فعالیت و درستی و

۱ - Keeping Terms  
 ۲ - The Right of Audience  
 ۳ - Brief  
 ۴ - Queen's Counsel

دانش علمی و عملی است که باریستر در طول مدت وکالت به ثبوت رسانیده است وقاضی القضاة در صورتیکه باریستر مورد نظر را شایسته این مقام بداند درجه پیش کسوتی را باو اعطاء می نماید و باریستری که به مقام پیش کسوتی رسید تعهدات ومسئولیت های بیشتری بعهده خواهد داشت و از نظر تمیز ظاهری با باریسترهای معمولی باریستری که بمقام پیش کسوتی رسیده بجای لباده پشمین با لباده ابریشمین در دادگاه حاضر میشود و دوخت و برش لباده او نیز تفاوت مختصری با لباده باریستر معمولی خواهد داشت ولذا میتوان باریستر معمولی را پشمینه پوش و باریستر پیش کسوت را حریر پوش نام نهاد. یکی دیگر از خصوصیات باریستر پیش کسوت آن است که هنگام حضور در دادگاه بمنظور دفاع باید دو نفر از باریسترهای معمولی جوان (۱) راهمراه داشته باشد، و در مواقع رسیدگی باریستر پیش کسوت در صف جلو و باریسترهای تازه کار در صف پشت سر او قرار می گیرند: سولیستر نیز پشت سر باریستر نشسته و در صورت لزوم به سؤالات باریستر پاسخ می گوید. ناگفته نماند که موکل باید علاوه بر پرداخت حق الوکاله باریستر پیش کسوت مبلغی معادل ۲/۳ حق الوکاله را نیز به دو نفر باریستری که همراه باریستر پیش کسوت بوده اند بپردازد.

از خصوصیات نظام قضائی انگلستان یکی آن است که طبق سنت دیرینه ای قضاة از بین پیش کسوتان حریر پوش که لااقل ۱۰ سال سابقه وکالت (باریستری) و بیش از ۵۰ سال داشته باشند انتخاب میشوند و البته در این انتخاب جهات دانش وینش و اعتدال خلق و فضیلت و تقوی و ممارست در نظر گرفته میشود. باتوجه به اینکه قضاوت مقام بی نظیری در اجتماع انگلیسی است لذا آرزوی هر باریستری آن است که روزی بمقام قضاوت برسد و لذا تمام سعی و کوشش او این است که از بوته آزمایش کامل و سلامت بدرآید و چون تعداد قضاة انگلستان بیش از ۲۰۰ نفر نیست و هرچند سال یکبار احتیاج به وجود یک یا دو قاضی دارند میتوانند از بین ۲۰۰۰ باریستر یک یا دو نفر را که از تمام جهات شایسته این مقام باشند انتخاب کنند و این یکی از اسرار موفقیت عدالت انگلستان است. در ایران متأسفانه کار برعکس است نه فقط قضاة از بین وکلاء درجه اول انتخاب نمیشوند بلکه در اثر وضع محیط و خلیقات اجتماع ما و طبع تبعیض پذیر آن قضاة می توانند پس از

بازنشسته شدن و یا پس از انتظار خدمت به کانون و کلاء رو آورند و معمولاً دوران ناتوانی و عجز را در حرفه و کالت بگذرانند حرفه‌ایکه احتیاج زیاد به انرژی و فعالیت و کار و پشتکار دارد. و برعکس درب کانون و کلاء بروی جوانانی که از دانشکده آمده‌اند بسته است و عملاً نمی‌توانند در تهران و کالت کنند با این ترتیب دیری نمی‌پاید که کانون و کلاء دادگستری به کانون عجزه قضائی تبدیل خواهد شد چنانچه فعلاً نیز با قبول بازنشستگان ادارات وضع کانون و کلاء بهتر از یک دارالعهزه قضائی نیست خوشبختانه اخیراً کانون و کلاء تصمیمی گرفت که بموجب آن بازنشستگان ادارات را به حرفه و کالت نخواهد پذیرفت. نظر ما آن است که اولاً کلیه بازنشستگانی که تا کنون پروانه گرفته‌اند از نظر قانونی و کیل شناخته نمی‌شوند و عمل کانون بر خلاف مقررات آئین‌نامه قانون استقلال بوده است و بایستی در فرصت مناسبی ابطال این پروانه‌ها را اعلام نمود ثانیاً قضات نیز نباید بتوانند پس از دوران خدمت وارد شغل و حرفه و کالت شوند بلکه برای اجرای صحیح عدالت بهترین راه آن است که قضات از بین و کلاء با سابقه دادگستری انتخاب و تعیین گردند ( در این خصوص به مقاله نویسنده شماره‌های قبل این مجله تحت عنوان سازمان نوینی برای دادگستری مراجعه شود )

یکی دیگر از مزایای باریستری آن است که هرگاه سابقه قضائی دعوائی با مضامین او تقدیم دادگاه شود صحت آن رویه برای دادگاه مسلم است و احتیاجی به مراجعه به اصل حکم مورد استناد باریستر نخواهد بود ( فراموش نشود که آراء سابق قضائی در انگلستان ارزش قانونی را دارد و آنچه را باریستر بعنوان سابقه ذکر می‌کند صحیح تلقی شده و امضاء باریستر در ذیل آن کافی برای اعتبار آن است و دادگاه با استناد بآن رأی صادر می‌نماید) و این سنت حیثیت و مقام و ارزش باریستر را در کشور انگلستان بخوبی آشکار می‌سازد.

هنگامیکه باریستری برای حضور در دادگاه به شهرها سفر می‌کند و یا در موقعیکه از منزل بطرف دادگاه می‌رود و یا از دادگاه بمنزل برمی‌گردد و نیز در تمام مراحل رسیدگی به دعوائی از توقیف مصون است و بهیچ علت نمیتوان باریستر را در این فواصل بازداشت نمود و این سنت و قاعده نه تنها اهمیت حقوق فردی را در آن کشور می‌رساند بلکه ارزش شغل و کالت را نشان می‌دهد و این نیز از مزایای باریستر بشمار می‌رود و از طرفی حق موکل او که باید از دفاع برخوردار باشد

با وضع این مقررات در معرض تضییع قرار نمی گیرد. ( بیاد دارم که یکی از متداعین در ایران روز محاکمه وسائلی فراهم نمود که وکیل طرفش را هنگامیکه از منزل به دادگاه میرفت در راه توسط پلیس بازداشت نمودند و بدین وسیله وکیل نتوانست در محاکمه حاضر شود. )

باریستر هنگام انجام وظیفه دفاع در دادگاه نسبت به آنچه می گوید مصونیت داشته و هیچ مقامی حق ندارد بخاطر آنچه باریستر در دادگاه گفته متعرض او گردد و این مصونیت محدود به حدودی نیست. باریستر در دفاع از موکل خود آزاد است آنچه را که ضروری می داند بیان کند و این سنت در مقاله ای که توسط لرد بیرکت نوشته شده ترجمه و ذیلاً آورده میشود.

« در خاتمه این کتاب که تصویری از شش وکیل ورزیده بزرگ و مشهور رابدست میدهد علاقه داشتم کلامی چند در شأن و منزلت و کلاه مدافع در اجتماع خودمان بیان کرده باشم و نیز در خصوص مسائل و لذتی که نتیجه ذوق و قریحه و کالت است مطالبی گفته باشم.

بخوبی متوجه این نکته هستم که وقتی مردم از فن دفاع صحبت میکنند منظورشان دفاع در دادگاههاست؛ و غالباً نقطه اوج دادرسی، یعنی همان جلسات دادگاه و مدافعات جزائی، را در نظر میآورند. لیکن منظور من این است که فن دفاع را از دیدگاه بالاتر و بازتری مورد بحث قرار دهم. چه بگمانم فن دفاع منحصر به امور قضائی نیست؛ البته دفاع در دادگاهها حائز اهمیت خاصی است زیرا دادگاهها مهمترین موقعیت و محل برای بکار بردن هنر دفاع، و نشان دادن مهارت و استعداد وکیل، بشمار میآیند؛ با این همه نباید فراموش کرد که فن دفاع در تمام شئون زندگی روزمره مورد استفاده قرار میگیرد. در پارلمان، در کلیسا و حتی در کوچه و بازار و هر جا که زن و مرد برای شنیدن سخن دیگران اجتماع میکنند، و نیز هر جا که سخنران با طرح موضوع و مطلبی سعی دارد سخنانش مرتبت قبول یابند، در واقع هنر دفاع از نظریات خود، و فن اقناع دیگران، را بکار می بندد. در این خلاصه نیز از مهمترین عوامل دفاع چه در دادگاه و چه در خارج دادگاه که همیشه مورد استفاده قرار میگیرد، سخن خواهم گفت. این عامل مهم دفاع همان فن جلب و جذب دیگران، و یا فن اقناع نام دارد.

قبل از ورود در این مبحث این نکته ناگفته نماند که من خود نیز میدانم



که غالب مردم قانون را امری پیچیده و مبهم و اسرار آمیز میپندارند ، و نیز بخوبی واقفم که مردم علیه و کلاء یک نوع سابقه ذهنی غلط و زعم باطل دارند، و بیجهت قبل از بررسی احوال آنان قضاوت باطلی نسبت بو کلاء روا میدارند ، و یا آنکه میدانم بیرون کشیدن این نظریه غلط از مغز مردم امکان پذیر نیست معهدا بر خود واجب میشمارم که تا سرحد امکان کوشش خود را در این راه بعمل آورم ، شاید سوءظن مردم برطرف گردد .

از روزیکه بکانون و کلاء قدم گذاردهام و بعضویت کانون پذیرفته شده و جامه و کالت در بر کردهام ، پیوسته با مفهوم غلطی که از وظیفه واقعی وکیل مدافع و شأن و منزلت او در ذهن مردم نقش بسته روبرو بودهام ؛ هیچیک از اعضاء کانون و کلاء را نمیتوان یافت که تا کنون با این سؤال کهنه قدیمی و خودمانی روبرو نشده باشد و از او سؤال نکرده باشند که : چگونه میتوانید و بخود اجازه میدهید از یک مجرم دفاع کنید ؟

این سؤال در آتن و در زمان دموستنس وجود داشته و در دوران سیسرو نیز بکار میرفته . در عصر حاضر نیز در هر فرصتی مرتباً تکرار میشود ، و با آنکه قاضی کراهستون در دعوی کراکونل ، وارسکین ، وکیل مدافع زبردست و کارآزموده مشهور ، در محاکمه توم هین ؛ و نیز مردان بزرگی مانند دکتر جانسون پاسخ این سؤال را داده اند، معهدا هنوز که هنوز است این گمان باطل علیه و کلاء پابرجاست و تا کنون از صفحه ذهن مردم زدوده نشده است . برای یک مرد معمولی اجتماع فوق العاده عجیب و غریب و نامأنوس مینماید که شخصیتی باچنان استقلال و تمامیت چون وکیل دادگستری و باچنان مقام و منزلتی در اجتماع ، و با علم و اطلاع از اینکه کسی مرتکب جرمی شده ، از او دفاع کند و حق الزحمه ای برای این عمل خود دریافت دارد !

مردم میگویند چگونه ممکن است وکیل دادگستری ، با وجود دلائل متقنی که با حقیقت تطبیق میکند ، در مقام معارضه و مقابله برآید ؛ و درصدد باشد آن دلائل را رد کند ، و یا سعی کند که بدترین دلائل را بهترین جلوه دهد . باری اتهامی که علیه و کلاء وجود دارد این است که و کلاء در انجام وظائف خود یک رنگ و یک رو نیستند ، و در انجام وظیفه شغلی خود نمیتوانند راست و درست و ظاهر و باطن یکی باشند . بنظر آنها ، و بنا بر استدلال و منطق آنها ، افراد معمولی کاری را

قبول میکنند و در صدد انجام آن برمی آیند زیرا که به آن کار معتقدند ، ولی وکلاء دادگستری تعهد انجام امر و دفاع از اشخاصی را بعهدہ میگیرند زیرا برای انجام آن پول و اجرت دریافت میکنند ، و کاری بصحت و سقم قضیه ندارند ، و ممکن است به انجام آن نیز مؤمن نباشند .

اگر در پاسخ این سؤال گفته شود که وکلاء در انتخاب دعاوی و قبول مدافعات آزاد نیستند ، و بالنتیجه باید دفاع و وکالت از هر پرونده‌ای را قبول کنند گمان میکنم پاسخ کافی و درست به سؤال مردم داده نشده باشد . عملاً هرگاه وکیلی بعلل قانع کننده‌ای نخواهد وکالت و یا دفاع از پرونده‌ای را قبول کند ، به آسانی میتواند آن را رد نماید ؛ لیکن همانطوریکه ارسکین با بلاغت خاصی بیان کرده ؛ هرگاه وکیلی دفاع متهمی را باین علت رد کند که اتهام وارده را قابل دفاع نمیداند ، و یا دفاع مؤثر نخواهد افتاد ، در این صورت یک چنین وکیلی وظیفه قاضی را انجام داده ، و بوکالت لباس قضاوت پوشانده است ، و شاید بتوان گفت با اعلام یک نظر اشتباهی سنگی در کفه ترازوی عدالت بضرر متهم گذارده ، و شاهنگ عدالت را ، در اثر یک نظر اشتباهی ، در جهت مجرمیت متهم سوق داده است ؛ و عبارت دیگر عملی را که قاضی پس از استماع دفاع طرفین انجام میدهد او انجام داده ، و اظهار نظر قضائی نموده است و بالنتیجه اصل معروف حمایت از متهم ، که از اصول مسلم و افتخار آمیز قانون انگلستان است در این جا رعایت نگردیده است . بموجب این اصل بزرگ و عاقلانه هرگونه تفسیر و هر گمان و تصویری باید بسود متهم بکار رود نه بضرر او ، و این همان اصلی است که قاضی را ملزم و مکلف به دفاع از متهم کرده ، و در واقع قاضی ، در رعایت این اصل ، وظیفه وکیل مدافع متهم را بعهدہ دارد . ( مترجم : چنانکه در این استدلال ملاحظه میشود حتی قاضی در بعضی موارد از متهم دفاع میکند ولی وکیل نباید لباس قضاوت و اظهار نظر را در مورد متهم بتن کند . و با قضاوت و دادرسی در موضوع پرونده ، و یا درباره اتهام حکم به قابل پیشرفت نبودن آن بدهد ، و یا بالعکس پیشرفت دعوی را تضمین کند ) . . .

حقیقت اینکه وکلاء در دفاع خود هیچگاه نظر قضائی خود را بیان نمیکنند و در واقع چنین حقی را هم ندارند . وکلاء از یک طرف تابع مقررات سخت و دشواری هستند که وظیفه و رفتار آنها را معلوم و مشخص میسازد ، و از طرف دیگر از دستورات

اخلاقی و سنت‌های مربوط بشئون صنفی خود پیروی میکنند ، که صریحاً و دقیقاً برای انجام وظیفه و کیل در اجرای عدالت وضع و مقرر گردیده ، و مورد قبول تمام و کلاء میباشد ، و بدین ترتیب و کیل دادگستری بدون احساس کوچکترین ناراحتی وجدان و یا بدون آنکه نسبت با اجتماعی که در آن زندگی میکند ناشکری و نادراستی و یا عمل خلافی مرتکب شده باشد ، با انجام وظائف محوله بخود در امر و کالت . باری را که در اجتماع بعهدہ گرفته بمنزل میرساند .

وظیفه و کیل روشن کردن یک طرف قضیه ، یعنی مشخص کردن حقوق و دلائل موکل خود و حفظ منافع اوست ؛ و با تمام مهارت و قدرت و استعداد و اطلاعی که در عهده دارد ، باید در انجام این وظیفه ، که از طرف قانون و کانون و کلاء و نیز از طرف موکل با و محول گردیده ، کوشش نماید . این کوشش باید بعدی جدی و روشن و ماهرانه انجام شود که قاضی و ژوری بتوانند از دفاع و توضیحات او تمام وضع قضائی موکلش را درک ، و از تمام دلائل قضائی و حقوق موکل او آگاه گردند ؛ تا برای قاضی و ژوری مقایسه وضع حقوقی شخص موکلش با وضع حقوقی طرف دیگر امکان پذیر گردد ، و پس از تحقیقات و بررسی‌ها و سبک و سنگین کردن کلیه جوانب امر ( در صورتیکه ذکر شده باشند ) ، حقیقت قضیه را از دعوای دو طرف بدست آورند ؛ و با اتخاذ تصمیم حکم خود را صادر کنند . ( مترجم : توجه داده شود که اگر تمام جوانب امر توسط هریک از و کلاء طرفین اقامه نگردد ، و یا به یکی از طرفین اجازه بیان دلائل و اظهارات و ادعاها داده نشده باشد ، مقایسه وضع حقوقی طرفین امکان پذیر نیست ؛ و نتیجتاً عدالت اعمال و اجرا نشده است . ۱ )

سردم تصور میکنند در یک محاکمه جزائی سعی دادستان آن است ، که بهر قیمت شده ، متهم را محکوم نماید . ولی من با اطمینان و یا صلاحیت کامل اعلام میدارم که وظیفه دادستان و یا نمایندگان او رعایت و اجرای عدالت است و بس . هدف آنها نباید محکوم نمودن متهم باشد .

وظیفه دادستان کوشش در اطمینان بصحت دلائل ، و قابل قبول بودن

(۱) در مورد طرح مورد نظرنا نتیجه الزامی کردن انتخاب و کیل در فرجام از یک

طرف و ملزم نمودن و کیل بتضمین پیشرفت دعوی از طرف دیگران خواهد شد که بعضی از اشخاص را از عدالت محروم کرده باشیم .

آنها ، از نظر قانون است و اینکه این دلایل به قصد انحراف حقیقت ابراز نشده باشد . ضمناً باید اطمینان حاصل کند که تمام دلائلی که بنفع متهم است به دادگاه ارائه شده باشد ، بطوریکه هیچیک از این دلایل مفید بحال متهم از دید دادگاه دورنماند ، وبخصوص مراقبت کند که دادگاه بدلائل اقامه شده بنفع متهم همانقدر توجه و عنایت و حضور ذهن داشته باشد که بدلائل اقامه شده علیه او ؛ وبالاخره دادستان باید توجه ژوری را باین نکته جلب نماید ، که وظیفه دادستان اثبات ادعا علیه متهم است بطوریکه هیچگونه شک و تردیدی در ارتکاب جرم توسط متهم باقی نماند ، و هرگاه کوچکترین تردید وشبهه ای در انتساب ارتکاب جرم بمتهم بمیان آید ، ویا آنچه یقینی که ماوراء تمام شبهات و تردیدهای ممکنه باشد برای ژوری وقاضی حاصل نگردد ، چنین متهمی را نمیتوان مجرم قلمداد کرد . ( مترجم . قاعده الحدود تدره بالشبهات در قانون اسلام ناظر بهمین اصل است ) . اکنون ملاحظه کنیم که وظیفه وکیل مدافعی که بارسنگین دفاع از متهم را بدوش میکشد چیست ؟ وکیل مدافع باید ، بدون توجه به عقیده شخصی خود از اتهام ، وجود خود را مصروف وظیفه دفاع از موکل نماید ؛ ودراین راه تمام وظائف دیگر را کنار گذارده ، آنها را بدست فراموشی سپارد ؛ تا بتواند نگهبان دائمی منافع متهم باشد ، و تمام اعمال و گفتار و کاریرا که ممکن بود برای خود انجام دهد برای موکل دریغ ندارد .

البته غرض از این روش در حقوق انگلستان آن نیست که مجرم بدون مجازات گذارده شود ، و از چنگ عدالت فرار کند ؛ بلکه غرض از این سیستم آن است که تا حد امکان ، وباتوجه بطبع لغزش پذیر آدمی ، این اطمینان حاصل گردد که هیچ بیگناهی مجازات نشده است ( مترجم : در اسلام نیز گفته شده که اگر گناهکاری بی مجازات بماند بهتر است تا بیگناهی مجازات شود . )

باتوجه بانچه گذشت بخوبی روشن گردید که چرا وکیل نباید در مدافعاتش نظر وعقیده شخصی خود را از اتهام بیان نماید ، وگفتار فوق منطقی بودن این قاعده را بخوبی ثابت میسازد ، وچون بعضی از محاکمات صحت این طریقه رادر عمل نشان میدهند ، بد نیست به بعضی از آنها در این خلاصه اشاره نمائیم .

در محاکمه معروف ویلیام پالمر ، متهم بارتکاب قتل ، وکیل مدافع او یکی از وکلای مشهور بنام شی بود که بعداً بمقام قضاوت رسید . این وکیل در

سخنان خود خطاب به ژوری گفت .

دفاع از متهم را شروع میکنم ، وبا کمال صداقت میگویم که من به بیگناهی متهم ایمان کامل دارم ، وبدین وسیله نظر خود را نسبت به او اعلام میکنم « سرالکساندر کوک بورن ، که سمت دادستانی را بعهدۀ داشت ، (منظور از سمت دادستانی وکالت از حق عمومی است که در انگلستان از طرف پلیس بیک وکیل دادگستری واگذار میشود مترجم . ) موقع خطاب به ژوری گفت « آقایان ژوری . شما اظهارات تعجبآور دوست دانشمند مرا شنیدید ، و اظمتیان بی سابقۀ او را در اعتقاد به بیگناهی موکلش استماع فرمودید ، آنچه من میتوانم بگویم آن است که بنظر من ، بهتر بود دوست دانشمند من ، از چنین اظهار نظری خودداری میکرد : معلوم نیست وکیل مدافع محترم نسبت بمن چه فکر میکرد هرگاه من نیز ، مانند او و بسهم خودم ، همان چیزی را اظهار مینمودم که او اعلام کرده ، بهترین پاسخ باو این است که من از پیروی از یک چنین سرمشق خطرناکی احتراز جویم .

وبهین جهت وقتی در آن محاکمه لرد کامپبل ، قاضی دادگاه ، در ارائه طریق به ژوری لب بسخن گشود ، چنین اظهار داشت ؛ که «توصیه من بشما آنست که تمام مطالب وکیل مدافع را دقیقاً مورد توجه قرار دهید مگر آن قسمت از اظهار نظر و عقیدۀ شخصی او که در مورد بیگناهی موکلش با یقین کامل بیان گردیده .»

«وظیفه من ایجاب میکند بشما اعلام دارم که ، عقیدۀ یقین وکیل مدافع نباید نقشی در تعیین نظر و اتخاذ تصمیم شما داشته باشد . بسیار تأسف آور است که ژوری اعلام بیگناهی متهمی را بکنند صرفاً بخاطر آنکه وکیل متهم عقیده بر بیگناهی او داشته است . وظیفۀ وکیل مدافع آن است که دلائل را بژوری تحمیل نماید ، نه عقیده و نظر شخصی خود را از بیگناهی متهم . « البته پالمر متهم محاکمه ما ، بسبب این دفاع غلط محکوم ، ویدار آویخته شد . . .

باید قبول کرد که در بعضی موارد وکیل مدافع دچار وضع ناراحت کننده ای میشود ، و آن موقعی است که مدافعات او با قضاوت و اطلاعی که از موضوع اتهام دارد مغایر است . پرونده ای که غالباً در این مورد بدان اشاره میشود موضوع یکی از وکلاء مشهور بنام چارل فیلیپس است ، که در سال ۱۸۴۰ دفاع از یک نفر

مستخدم سوئسی ، که متهم بقتل اربابش بود ، باو واگذار گردید ؛ کورووآزیه مستخدم شخصی لرد ویلیام راسل بود و در یکی از روزها لرد راسل را در روی تختش کشته یافتند که با وضع فجیعی بقتل رسیده و علت قتل هم سرقت معرفی شده بود ، پس از بازجوییهای زیاد ، پلیس مستخدم لرد راسل را با اتهام ارتکاب قتل توقیف نمود .

در حین محاکمه هنگامیکه قلیپس ، وکیل مدافع ، مشغول دفاع بسیار جالب و ارزنده‌ای بود ؛ متهم ، با درخواست اجازه بوکیل مدافع خود اقرار کرد ، که هم او مرتکب قتل اربابش شده ، و از وکیل خود خواست که در بیگناهی او دفاع لازم را بنماید . فیلیپس ، وکیل مدافع متهم ، بحدی ناراحت شد که بلافاصله نظر مشورتی بارن پارک را ، که هیچ ستمی در انجام محاکمه نداشت ، و اتفاقاً کنار رئیس دادگاه نشسته بود ، درخواست کرد . وقتی بارن پارک شنید ، که متهم اصرار دارد که وکیل مدافع از او دفاع نماید ؛ به فیلیپس وکیل مدافع ، توصیه کرد که وظیفه وکالتی او اقتضا دارد ، که مدافعات خود را ادامه دهد ، و تمام استدلالات مناسبی را ، که از دلائل حاصل میشود ، بکاربندد .

پس از بیان این محاکمه اجازه می‌خواهم چند جمله‌ای نیز از دکترا جانسن نقل کنم .

«وقتی بحث از شغل وکالت بود سر ویلیام فروب اظهار داشت ؛ که یک وکیل برارنده و شایسته نباید دعوائی را قبول کند که بخلاف حق بودن آن اعتقاد دارد . جانسون در پاسخ این مطلب اظهار داشت که «وکیل مدافع ابداً کاری با این امر ندارد که موضوع پرونده حق است یا ناحق مگر وقتی که موکلش از او بخواهد که در این صورت وکیل مدافع ملزم و مکلف است نظر واقعی خود را در نهایت صداقت بموکل خود اعلام دارد . تشخیص حق یا ناحق بودن دعوی باقاضی است نه وکیل . در واقع باید دید که منظور از محاکم و دادگاههای دادگستری چیست؟ در پاسخ باید گفت که غرض از ایجاد محاکم آن است که دعاوی افراد در آن دادگاهها وبدست قضاتی که برای قضاوت منصوب شده‌اند مطرح ومورد رسیدگی قرار گرفته ونسبت بانها حکم صادرشود . وکیل حق ندارد بحدود وحوزه فعالیت ووظیفه قاضی ویاژوری تجاوز نماید و تعیین و تشخیص

نتایج استدلال و اقامه دلیل با وکیل مدافع نیست . . . . .  
 اگر قرار بود وکلاء هیچ دعوائی را قبول نکنند مگر وقتی که بصحت و  
 حق بودن آن دعوی اطمینان حاصل نمایند نتیجه آن میشد که افراد از بثمر رسانیدن  
 ادعاهای خود محروم بمانند و از طرح دعوی دست بکشند درحالیکه اگر ادعای  
 آنها بمحاکم میرفت شاید قابل قبول و مستدل از آب درمیآید .»

### دستگاه انتظامی وکلاء مدافع

کانون وکلاء مدافع انگلستان تنها انتظاری که از باریسترها دارد این  
 است که در انجام شغل خود نهایت درستی و شرافت را بکار برند چنانکه قبلاً  
 نیز اشاره شد اصولاً باریسترها هیچگونه تماسی با موکلین ندارند بلکه سولیسیتورها  
 با داشتن اختیار از موکلین در صورت لزوم باریستری برای دفاع انتخاب می نمایند  
 لذا موکلین بنا بر سنت حق بازخواست را از باریسترها نخواهند داشت و حتی اگر  
 باریستری در جلسه محاکمه حاضر نشود موکل حق شکایت از او را ندارد و  
 همچنین موکل نمی تواند باریستری را بجهت اهمال و یا عدم مهارت و یا عدم  
 مراقبت مسئول خسارت وارده معرفی نماید بلکه فقط می تواند حق الوکاله (۱)  
 ای را که پرداخت کرده از باریستر مسترد دارد .

آنچه قانون از باریستر انتظار دارد این است که وظیفه اش را بنا بر  
 قضاوت خود باریستر درست و خوب انجام دهد و بنا بر این هرگاه باریستری ادعا  
 کند که بنا به تشخیص او و با توجه به اوضاع و احوال موجود تصور می کرده  
 که منافع موکلش از طریقی که او انتخاب کرده تأمین و حفظ میشده چنین  
 اظهاری کافی و صحیح خواهد بود . مسئولیت او در مقابل دادگاه محدود به  
 عدم اطاعت او از مقررات و دستورات دادگاه است (۲) و اگر دادگاه رفتار باریستر  
 و اظهارات او را خلاف شان و کالت تشخیص دهد فقط می تواند جریان امر را به  
 کانون مربوطه باریستر گزارش نماید . مجازات سرپیچی از دستور و مقررات دادگاه  
 پرداخت غرامت و یازندان است و هرگاه باریستری الفاظ منافی شأن در دادگاه  
 بکاربرد ممکن است از طرف دادگاه مجازات و مورد سرزنش قرار گیرد .

اگر باریسترها در مقابل موکلین مصون از مسئولیت هستند ولی برعکس

۱ - fees

۲ - Contempt of Court

در مقابل کانون مربوطه مسئولیت و تعهدات فوق العاده را به عهده گرفته اند . این تعهدات و مسئولیت ها زیادند که در این خلاصه بذکر چند نمونه از آنها اکتفا میشود .

باریسترها حق ندارند بر روی کاغذهای خود کلمه (باریستر) را بنویسند و یا نام خود را با اضافه کردن کلمه (باریستر) بر روی کارت ویزیت چاپ کنند و یا در تابلو و پلاک درب ورودی کلمه (باریستر) را در جلوی نام خود بکار برند بلکه باید بذکر نام خود اکتفا کنند . تنها موردی که باریسترها می توانند کلمه (باریستر) را کنار نام خود بگذارند وقتی است که کتاب علمی حقوقی تالیف نمایند و در این صورت استعمال کلمه (باریستر) در روی جلد کتاب مجاز می باشد . متخلفین از این سنت بمجازات انتظامی محکوم خواهند شد .

باریستر حق ندارد کاری را که شخص دیگری جز سولیسیتر باو ارجاع کرده قبول کند .

یکی دیگر از اعمال خلاف شان و کالت آن است که برای کار و کالت که سولیسیترها باو رجوع کرده اند انعام و یا وجهی پرداخت کند و نیز حق ندارد و کالت اشخاصی را که با هم تصاد منافع دارند قبول کند .

باریسترها حق ندارند بصورت مؤسسه حقوقی باهم شرکتی تشکیل دهند و در آن مؤسسه باسر و کالت بپردازند و نیز حق ندارند بصورت حقوق ماهیانه از موسسه ای پول دریافت نمایند و باید برای هرکاری که بآنها رجوع میشود حق الوکاله علیحده دریافت نمایند .

و پس از آنکه سولیسیتر و منشی در مورد حق الوکاله ای توافق کردند باریستر حق ندارد از آن مبلغ کمتر دریافت کند و یا تخفیفی در حق الوکاله دهد . باریستر فقط در صورتی می تواند کار را به عهده دیگری بگذارد که موکلش با این توکیل موافقت داشته باشد .

پیش کسوتان (حریرپوشان) حق ندارند بدون همراهی دو باریستر تازه کار در دادگاه حاضر شوند ، تخلف از این قاعده مجازات سنگینی را برای باریستر متخلف در بر خواهد داشت . باریستر حق ندارد کار و یا شغلی در دستگاه دولتی بپذیرد و یا کاری را در این دستگاه ها قبول کند که آن کار جزء کارهای باریسترهای



تازه‌کار است و البته مسلم است که باریسترها اسرار سوکلین خود را هیچگاه فاش نخواهند ساخت .

تخلف از مقررات و سنن ممکن است موجب اخراج باریسترا از کانون مربوطه گردد ( ۱ ) و حتی هیئت مدیره حق دارد در صورتی که خلافی از یکی از اعضاء هیئت مدیره سربرزند آن عضو را از عضویت هیئت مدیره خلع ( ۲ ) نماید و البته برای هر مجازاتی باید دلیل آن را ذکر نمود .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - Disbar

۲ - Disbench